

قطعی برقیه استثنای سم و بحران دارو

واقعیت زندگی مردم در دوران پیش از پیروزی انقلاب اسلامی چگونه بود؟

۱۰

وقتی آتش به جان سینماه موسیقی و کتاب افتاد

بازتاب رویدادهای فرهنگی و هنری در رسانه‌های دودمان پهلوی

۱۱

برده فروشی دختران تا کشتارهای سریالی

امنیت اجتماعی ایران قبل از انقلاب چه وضعیتی داشت؟

۱۲

پنجشنبه ۲۰ بهمن ۱۴۰۱ | ۱۸ رجب ۱۴۴۴ | شماره ۱۹۹۰

هفتاد و هفتاد روز هفتاد

پهلوی در آینه مطبوعات

روایت کاغذی از دوران پهلوی

واقعیت‌هایی از عصر پهلوی‌ها که شاید کمتر شنیده باشید



افزایش قیمت حیوانات ۵۰ درصد

قیمت حیوانات افزایش پیدا کرد. با وجود تقاضای ثابت برای آن، افزایش منجر به اعتراضات مردم شد و دولت پهلوی برای آرام کردن اوضاع، وعده کاهش ۵۰ درصدی حیوانات را داد، وعده‌ای که هیچ‌وقت محقق نشد.

دزدان میلیون‌ها نخ سیگار ۲۵ میلیون

نخ سیگار بر اساس آماری که مسئولان وقت اعلام کردند، در اوایل دهه ۵۰ شمسی هر روز توسط افراد سیگاری دود می‌شد. در حالی که ایران در آن زمان کمتر از ۳۰ میلیون نفر جمعیت داشت.

سوزاندن میلیون‌ها متر مکتب ۲ میلیون

متر مکتب گاز روزانه در پالایشگاه مسجد سلیمان برای استخراج اندکی نفت سوزانده می‌شد. وقتی برای مسئولان یک کشور، سرمایه ملی و مردم اهمیت نداشته بود، نتیجه این می‌تواند...

کسری بودجه ۱۶۲ میلیون تومان

کسری بودجه تنها یک رقم از نتایج ریخت‌وپاش‌های بی‌حساب و کتاب و برداشت‌های بی‌دردی از خزانه ملت بود که باعث شد رژیم پهلوی هر سال کسری بودجه شدیدی مواجه شود. اگرچه کسری بودجه‌ها تأثیری در کاهش سفرها و هزینه‌های اضافی دربار نداشت.

روغن تقلبی ۱۰ تن

روغن تقلبی از سوی برخی از کسبان سودجو وارد بازار شد که در پی ناآرامی رژیم در تأمین نیازهای اساسی مردم این اتفاق رخ داد.

نابودی سبب زمینی ۵۰ هزار تن

سبب زمینی کشاورزان در سال ۱۳۵۳ از بین رفت و آنها متحمل خسروای جبران‌ناپذیری شدند و صاحبان مطبوعات را بی‌پیش از قصد ساواک برای توقیف کتاب یا نشریه آنها آگاه می‌کرد تا به نوعی آنها را بتراساند یا به آنها هشدار داده باشد.

روزنامه کیهان سال‌های ۱۳۴۲، ۱۳۵۲ و ۱۳۵۶

یادداشت

فترت ادبیات در حکومت پهلوی

آثار ادبی در هر دوره، به نوعی بازتابی از شرایط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه است که در قالب‌های متنوع ادبی از جمله شعر، داستان، نمایشنامه و حتی رسانه‌ها و مطبوعات خود را نشان می‌دهد. با این پیش‌زمینه، اگر به تاریخ معاصر کشورمان نگاه کنیم، دوره‌های مختلفی دیده می‌شود که هر کدام بیانگر روح جامعه در آن مقطع زمانی است. از این رهگذر، ادبیات در کشور ما پیشینه طولانی دارد اما تنها با نگاهی به پیشینه آثار ادبی در حدود یک صد سال اخیر، به فراوانی‌های متعددی برمی‌خوریم که مرور آنها خالی از لطف نیست. با روی کار آمدن حکومت پهلوی که به دوره پس از کودتای رضاخان هم معروف است، ادبیات در کشور ما دوران تلخی را تجربه کرد که کارشناسان و مفسران ادبی از این دوران با عنوان «دوره فترت» به یاد می‌کنند. پس از به کنترل گرفتن کامل اوضاع توسط رضاخان، شاعر آزادخواه، میرزاده عشقی در نظاهرات کشته و فرخی زیدی در زندان شهید شد. بهار، دهخدا و نسیم شمال از سیاست کناره گرفتند، لاهوتی به اتحاد شوروی سابق تبعید شد و عارف که از کرده خود پشیمان بود، منزوی در یکی از دره‌های نزدیک همدان به انزوا خزید و جز با سگ با هیچ تنانده‌ای رابطه پیدا نکرد و همه را دروغگو نامید. خفقان رضاخانی چنان بر جامعه به‌ویژه فاعلان ادبی و روزنامه‌نگاران مستولی شد که عملاً نوع نگاه مخالفی در نطفه خفه شد. با گذر ایام و اتفاقاتی که قدرت از پدر به پسر منتقل شد، معمر رضاشاه هم به تاسی از پدر، البته به شکل تازه و متفاوتی به مخالفت با آزادخواهان، به‌ویژه ادیبان و روزنامه‌نگاران پرداخت که نتیجه آن را در روند تولید و انتشار آثار ادبی دوره می‌بینیم. شاهد تاریخی نشان می‌دهد بعد از دوره رضاشاه، سانسور کتاب با وقف‌های کوتاه مدت و با اعمال مقرراتی خاص در نهادهای مربوطه ادامه یافت. برخی مانند فریبرز خسروی در کتاب خود «تعلیمی بر سانسور کتاب در دوره پهلوی دوم» معتقدند که ادوار تاریخی سانسور در دوره معمر رضاشاه، به ۳ دوره ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲، ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷ و ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷ تقسیم است اما برخی هم دوره دوم را از سال ۱۳۳۰ تا ۱۳۴۰ می‌دانند. این روند به مرور سرعت بیشتری به خود گرفت تا جایی که از سال ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۷ شدیدترین سانسورها از سوی رژیم اعمال شد. علت و نقطه‌عطف اصلی آغاز سانسور در این دوره را می‌توان شروع موج جدیدی از اعتراضات و مخالفت‌های عمومی به رهبری امام (ره) دانست که با اعتراض ایشان به لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی آغاز شد. در این دوره سانسور با ممنوعیت چاپ شامل محدودیت دسترسی هم می‌شد؛ چنان که در زندان اوین و کمیته مشترک زندانیان مطلقاً از کتاب، نوشت‌افزار، روزنامه و مکاتبه با بیرون از زندان محروم بودند. بررسی ضمیمه آثار ادبی اعتراضی در آن دوران هم نشان می‌دهد تأیید از بیروزی انقلاب اسلامی آنچه برخی از شاعران و نویسندگان را اذیت می‌کرد، غارت ثروت مملکت به وسیله بیگانگان بود. از آنجا که یک نویسنده و شاعر نمی‌تواند درباره دردهای جامعه بی‌اعتنا باشد، پس این موارد را گاه با زبانی عاری از هر گونه ارائه لفظی و معنوی و گاه با اشاراتی ادبی گوشزد می‌کردند اما بدلیل خفقان و سانسورهای بیش از حد این اتفاق رقم نمی‌خورد و این باعث ایجاد فضای بی‌آسود بدون هیچ امید در آثار داستان‌نویسان و شعر شاعران می‌شد. نویسنده یا شاعر آن دوره می‌دید که ثروت کشور توسط بیگانگان غارت می‌شود که در حالی که بسیاری از هموطنان از کمترین رفاه اقتصادی هم بی‌بهره هستند. فقر و تبعیض در جای‌جای مملکت دیده می‌شد اما حکومت پهلوی بیشتر به فکر رضای نگاه‌اش بیگانگان از خود بود. مورد قابل توجه هم این بود که شاعران و نویسندگان معترض به غارت بیت‌المال توسط بیگانگان جانی برای برآورد آثار اعتراضی خود نداشتند ساواک، به‌عنوان بازوی سرکوب حکومت پهلوی، عملاً همه راه‌ها را به روی نویسندگان و شاعران و همچنین روزنامه‌نگاران بسته بود. به بیان دیگر، ساواک به‌عنوان نهاد امنیتی و اطلاعاتی، با وظایف و عملکردهای وسیعی چون سرکوب مخالفان و کنترل هر گونه اعتراض یا انتقاد، از ادارات زیادی تشکیل شده بود. چنانچه برخی از اداره‌های آن مسئول نظارت بر امور تحقیقی و آموزشی بودند. نکته جالب و البته غم‌انگیز ماجرا هم اینجاست که در برخی از موارد افرادی که مسئولیت سانسور و نظارت بر کتاب‌ها را بر عهده داشتند، افرادی بی‌سواد یا کم‌اطلاع بودند؛ به‌عنوان مثال، محرم علی‌خان، یکی از کارمندان ساده‌شهری بود که به‌عنوان جاسوس یا رابطه با دریافت منافع رشوه از ساواک، صاحبان مطبوعات را بی‌پیش از قصد ساواک برای توقیف کتاب یا نشریه آنها آگاه می‌کرد تا به نوعی آنها را بتراساند یا به آنها هشدار داده باشد. این وضعیت بفرنج ادامه داشت تا اینکه با طلوع فجر انقلاب اسلامی، شرایط تغییر کرد و توسعه فرهنگ، در همه ابعاد، از امور اصلی نظام جمهوری اسلامی ایران شد.